

از دیپلماسی رسمی تا توییتری!

محمد رضا لشینی

کارشناس ارشد روابط بین الملل

زمانی دیپلماسی در اتاق‌های در بسته جریان داشت؛ پشت درهای چوبی، با نطق‌های سنگین و یادداشت‌های رسمی که مهر داشتند و پوی پروتکل می دادند. حالا،اما، میدان سیاست خارجی به صفحه‌های لمسی منتقل شده است؛ جایی که سفیرها، وزیرها و حتی بازیگران غیردولتی، با چند جمله و یک هشتگ، روایتی از واقعیت می سازند و سیاست را شکل می دهند. این، عصر دیپلماسی توییتری است؛ عصری که در آن، هر کاراکتر می تواند حامل یک بحران یا یک فرصت باشد.

دیپلماسی دیجیتال از جنس انقلاب نیست؛ از جنس دگرگونی تدریجی است. وقتی باراک اوباما در کارزار انتخاباتی ۲۰۰۸ از شبکه‌های اجتماعی برای ارتباط مستقیم با مردم استفاده کرد، کمتر کسی می‌دانست همان ابزار قرار است به بستر اصلی منازعات بین المللی تبدیل شود. امروز وزارت امور خارجه آمریکا، اتحادیه اروپا، و حتی سازمان ملل حساب‌های رسمی دارند که با زبان توییتر با جهان حرف می‌زنند؛ گاهی رسمی، گاهی احساسی و گاهی هم با شوخ طبعی کنترل‌شده. اما نقطه‌ی عطف را باید در جنگ اوکراین جست. جایی که کی یف فهمید در برابر توپخانه و تانک روسیه، تنها سلاحی که در اختیار دارد، «روایت» است. وزارت امور خارجه و رئیس جمهوری اوکراین با ویدیوهای کوتاه، عکس‌های لحظه‌ای و پست‌های احساسی توانستند افکار عمومی غرب را بسیج کنند. در مقابل، روسیه با ارتشی از حساب‌های کاربری و رسانه‌های دولتی سعی کرد روایت خود را تثبیت کند. جنگ فقط در جبهه‌ها نبود؛ در توییتر، تلگرام و تیک‌تاک هم جریان داشت. چین اما مسیر دیگری را رفت. یکن برخلاف سنت سکوت در سیاست خارجی، حالا سخنگویانی دارد که در رسانه‌های اجتماعی غربی، لحن تهاجمی و گاه طعنه‌آمیز به خود گرفته‌اند. آنها را «گرگ‌های جنگجو» می‌نامند؛ دیپلمات‌هایی که برای هر انتقاد پاسخی آتشین دارند. چین دریافت که در جهانی که روایت‌ها از حقیقت مهم‌تر شده‌اند، بی‌صدایی نوعی شکست است. در غرب نیز مرز بین «دیپلماسی» و «پروپاگاندا» روزبه‌روز محو‌تر می‌شود. سفارتخانه‌ها دیگر فقط گزارش نمی‌فرستند، بلکه در رقابت محتوایی با هم‌اند. هر تویییت باید قابلیت ترند شدن داشته باشد. هر بیانیه باید در قالبی کوتاه و قابل اشتراک بازتولید شود.

در این میان، الگوریتم‌ها تبدیل به قدرت جدیدی در سیاست جهانی شده‌اند؛ بی‌طرفی ندارند، اما نفوذ دارند. آنها تصمیم می‌گیرند کدام بحران دیده شود و کدام رنج در سکوت بماند. از اینجا به بعد، بحث از دیپلماسی صرف خارج و وارد قلمرو سواد رسانه‌ای می‌شود. دیپلماسی توییتری بدون سواد رسانه‌ای، شبیه بازی با آتش است. سیاستمداران پیام می‌فرستند، اما مخاطب جهانی چقدر توان تشخیص داده؟ کشورهایی مانند فنلاند و استونی فهمیده‌اند که بهترین واکنش به جنگ اطلاعاتی، فیلترینگ نیست، بلکه آموزش است؛ آموزش به شهروندانی که بتوانند روایت‌ها را تحلیل کنند، نه اینکه در دام هیجان آنها بیفتند، اما در گام‌رومانه، ماجرا پیچیده‌تر است. اینجا رسانه فقط ابزار اطلاع‌رسانی نیست، بلکه خودش میدان نبرد است. جنگ غزه تازه‌ترین مثال آن است. هر طرف سعی دارد روایت خود را جهانی کند؛ ویدئوها، هشتگ‌ها و بیانیه‌های دیجیتال جای تانک‌ها و موشک‌ها را در میدان دوم جنگ گرفته‌اند. در این میان، افکار عمومی جهانی، به‌ویژه به جنوب جهان، بیش از هر زمان دیگری به واسطه رسانه‌های اجتماعی درگیر روایت‌سازی شده است. اگر روزی دیپلماسی بر محور دولت‌ها می‌چرخید، امروز بر محور احساسات و ادراک‌ها می‌چرخد. و ایران؟ ایران هم در این میدان حضور دارد، گاه مستقیم و گاه با واسطه. وزارت امور خارجه و رسانه‌های رسمی در سال‌های اخیر، به‌ویژه پس از تحولات منطقه‌ای، بیش از گذشته از بسترهای مجازی برای ارائه‌ی مواضع رسمی استفاده کرده‌اند. با این حال، چالش اصلی همچنان باقی است: آیا روایت رسمی می‌تواند در فضای پرسرعت و عاطفی شبکه‌های اجتماعی دوام بیاورد؟ یا باید قواعد بازی را پذیرفت و به زبانی تازه سخن گفت؟ در دیپلماسی رسمی، هر جمله از فیلتر تشریفات عبور می‌کند؛ اما در دیپلماسی توییتری، هر ثانیه اهمیت دارد. تاخیر در واکنش، به معنای از دست دادن روایت است.

ایران، مانند بسیاری از کشورهای منطقه، در مرز میان سنت و دیجیتال قرار دارد؛ از یک سو، به کنترل پیام تمایل دارد؛ از سوی دیگر، می‌بیند که جهان سیاست در حال عبور از کنترل است. در این میان، گروه‌های غیردولتی، فعالان رسانه‌ای و حتی کاربران عادی، به بازیگران غیررسمی سیاست خارجی تبدیل شده‌اند؛ پدیده‌ای که در ادبیات روابط بین‌الملل کلاسیک، جایی برایش تعریف نشده بود، اما آیا دیپلماسی توییتری لزوماً تهدید است؟ نه الزاماً. این پدیده می‌تواند فرصتی باشد برای کشورهایی که در رسانه‌های سنتی جهان جایی ندارند. یک روایت هوشمندانه، می‌تواند در برابر ده‌ها رسانه‌ی ی‌پر قدرت ایستادگی کند. اما این فرصت فقط زمانی به دست می‌آید که روایت‌سازی با صداقت و استراتژی همراه باشد، نه با هیجان و شعار. در نهایت، دیپلماسی توییتری بازتابی از عصر ماست؛ عصری که در آن، مرز میان «واقعیت» و «بازنمایی واقعیت» فرو ریخته است. سیاستمداران در جهان امروز نه فقط در جلسات رسمی، بلکه در کامنت‌ها و پست‌ها قضاوت می‌شوند. مخاطب جهانی دیگر بیننده نیست؛ داور است. اینجا دیگر مسئله فقط قدرت نظامی یا اقتصادی نیست، بلکه قدرت روایت است. هر کشوری که بتواند در میدان روایت‌ها اعتبار بسازد، در میدان سیاست هم دست بالا را دارد. و شاید به همین دلیل است که دیپلماسی در عصر ما، بیش از هر زمان دیگری، به رشته‌ی ما نزدیکی شده است؛ روابط بین‌الملل نه فقط علم قدرت، بلکه علم روایت قدرت است. از دیپلماسی رسمی تا دیپلماسی توییتری، مسیر طولانی نیست؛ فقط یک کلیک فاصله دارد. اما در این فاصله‌ی کوتاه، جهان تغییر کرده است. حالا تویی‌ت‌ها گاهی بیش از توافق نامه‌ها اثر دارند. پرسش این است: آیا سیاستمداران قرن بیست و یکم، به اندازه‌ی کاربرانشان، سواد رسانه‌ای دارند؟

محسن جلیلودن در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

اگر ایران می‌خواهد

ابتکار عمل را به دست بگیرد

باید به اسرائیل حمله کند



مشخص نیست اجلاس شرم‌الشیخ به نتیجه برسد یا خیر

ایران نقش پنهان خود را در مسأله فلسطین حفظ کرده است

آرمان ملی- احسان انصاری: دونالد ترامپ هم در اجلاس شرم‌الشیخ و هم در پارلمان اسرائیل با ادعاهایی درباره ایران دوباره موضوع مذاکره را مطرح کرده است. این در حالی است که هنوز مشخص نیست ترامپ و ایران قرار است درباره چه مسائلی مذاکره کنند و در حالی که ترامپ خواسته‌های حد اکثری دارد آیا ایران حاضر خواهد بود تن به چنین مذاکره‌ای بدهد؟ این اتفاقات در شرایطی رخ می‌دهد که پزشکیان دعوت السیسی رئیس جمهور مصر را برای حضور در اجلاس شرم‌الشیخ به دلیل حضور ترامپ رد کرد. در نتیجه اظهارات ترامپ بیش از آنکه مبتنی بر واقعیت باشد به نظر می‌رسد که بازی چماق و هویج است. استراتژی هویج و چماق در مذاکراتی به کار می‌رود که یک طرف خواستار چیزهایی از طرف مقابل می‌باشد و مجازاتی را برای طرف مقابل در صورت عدم انجام درخواست مطرح می‌کند. به نظر می‌رسد ترامپ در مقابل ایران از این استراتژی استفاده می‌کند.

◀ **ارزیابی شما از عدم حضور ایران در اجلاس شرم‌الشیخ چیست؟ آیا بهتر نبود ایران در این اجلاس شرکت می‌کرد؟**

ایران از ابتدا قرار نبود در این اجلاس حضور پیدا کند و تمایلی هم به این کار نداشت. دلیل این موضوع نیز این است که ایران موافق طرح صلح ترامپ نیست. ترامپ مبنای طرح خود را بر دودولتی شدن اسرائیل و فلسطین قرار داده در حالی که ایران از اساس یاد دولتی شدن مخالف است. این اجلاس دستاوردی برای ایران نداشت که ایران دنبال شرکت در این اجلاس باشد.

◀ **برخی عنوان می‌کنند حضور ایران در این اجلاس می‌توانست با کدام مذاکره بین ایران و آمریکا را باز کند. آیا در واقع چنین بود؟**

دیپلماسی به معنای این است که اگر شما پشت میز نشینید پرونده شما را روی میز می‌گذارند. البته هنوز مشخص نیست که آیا این اجلاس به نتیجه خواهد رسید یا خیر. در گذشته نیز اجلاس‌های زیادی درباره موضوع فلسطین برگزار شد که بدون نتیجه باقی ماند. از سال ۱۹۸۹ تاکنون این ششمین و با هفتمین اجلاسی بود که در این زمینه برگزار می‌شود و هیچ کدام نیز تاکنون به نتیجه نرسیده است. به همین دلیل نمی‌توان از هم اکنون عنوان کرد که این اجلاس به نتیجه خواهد رسید. ترامپ فضا را شلوع کرده اما در عین حال آتش پس رخ ده و اسر آزاد شدند و درد و رنج مردم غزه تا حدودی کاهش پیدا کرده است. البته این هم نگاهی است که اگر در چنین اجلاسی مشارکت نکنیم و در تصمیم‌گیری‌ها دخالت نداشته باشیم، در نهایت بدون ما تصمیم‌گیری خواهند کرد و ایران نیز نقشی در تصمیم‌گیری‌ها نخواهد داشت.

◀ **ایران در بین کشورهایایی که در اجلاس شرم‌الشیخ حضور داشتند بیشترین هزینه را در باره موضوع فلسطین داده است. چرا نباید در تصمیم‌گیری در این زمینه نقش داشته باشد؟**

در عالم سیاست کشورها در زمینه‌های مختلف می‌توانند نقش آشکار داشته باشند و یا نقش پنهان. چین و روسیه نیز در این اجلاس شرکت نداشتند که دلیل آن این است که موضوع فلسطین در راستای منافع ملی آنها نیست و به همین دلیل به این موضوع ورود نمی‌کنند. ایران در این موضوع نقش پنهان



ترامپ در شرم‌الشیخ درباره ایران گفت: فکر می‌کنم ایران همراه خواهد شد. آنها آسیب دیده‌اند و زخم خورده‌اند و می‌دانید، به کمی کمک نیاز دارند. تحریم‌های بسیار سنگینی علیه‌شان وجود دارد. من دوست دارم تحریم‌ها را بردارم، زمانی که آماده گفت‌وگو باشند. اما واقعیت این است که با این تحریم‌ها واقعاً نمی‌توانند دوام بیاورند. در مقطعی خواهند گفت: ما می‌خواهیم تحریم‌ها برداشته شود. ما در نهایت به صلح خواهیم رسید. فکر می‌کنم ایران در نهایت وضعیت خوبی پیدا خواهد کرد. اگر ما تأسیسات هسته‌ای‌شان را هدف قرار ن‌داده بودیم، فکر نمی‌کنم می‌توانستید به چنین توافق شگفت‌انگیزی دست یابید». «آرمان ملی» برای تحلیل و بررسی نتایج اجلاس شرم‌الشیخ و پیشنهاد مذاکره ترامپ با دکتر محسن جلیلودن استاد دانشگاه و تحلیل‌گر روابط بین‌الملل گفت‌وگو کرده که در ادامه می‌خوانید.

در مقابل ایران یک به جلو برداشته است. پاکستان کشوری است که موجودیت اسرائیل را به رسمیت نمی‌شناسد، اما این کشور را تهدید نیز نمی‌کند. این وضعیت درباره کشورهایی مانند عراق نیز وجود داشته است. با این وجود ترامپ در شرایط کنونی عنوان می‌کند که ایران باید موجودیت اسرائیل را به رسمیت بشناسد. اگر ایران نیز این پیشنهاد مذاکره را نپذیرد به نظر می‌رسد آمریکا و اسرائیل در دو ماه آینده برنامه‌ریزی‌هایی علیه‌ایران دارند که به مرحله اجرایی خواهند رساند.

◀ **چه برنامه‌ای؟**

پس از اینکه کانگنسم ماشه علیه ایران فعال شده براساس ماده ۴۱ اقدامات غیر نظامی علیه ایران مشروعیت پیدا می‌کند. به همین دلیل پس از اینکه آمریکا از ماجرای غزه عبور کند سخت‌گیری خود را علیه ایران افزایش خواهد داد و با افزایش تحریم‌ها، عدم اجازه ورود طلا به کشور و همچنین بازرسی هواپیماها و کشتی‌ها تلاش می‌کند فشار بیشتری به ایران وارد کند. با توجه به اینکه مقام رهبری قبل از سفر آقای پزشکیان به نیویورک عنوان کردند با آمریکا مذاکره نمی‌کنیم، در نتیجه این احتمال وجود دارد که ایران و آمریکا در مسیر تقابل از تنش تا درگیری قرار بگیرند.

◀ **ممکن است این تنش و درگیری به جنگ منجر شود؟**

به احتمال بسیار زیاد در نهایت این اتفاق رخ خواهد داد. همین که سخت‌گیری‌های آمریکا علیه ایران افزایش پیدا کند زمینه‌های جنگ نیز افزایش پیدا خواهد کرد. به عنوان مثال اگر آمریکا بخواهد کشتی‌های ایران را در عرصه بین‌المللی بازرسی کند ایران مقابله خواهد کرد و اجازه چنین کاری را نخواهد داد. در چنین شرایطی احتمال تقابل افزایش پیدا می‌کند. دوا ره پیش روی ایران قرار دارد، نخست اینکه قدرت بازدارندگی خود را از موشکی به هسته‌ای تغییر بدهد و یا اینکه دست به یک اقدام پیشگیرانه در حمله به اسرائیل بزند. این دو وضعیت در نهایت منجر به درگیری خواهد شد. به هر حال اسرائیل پس از اینکه از ماجرای غزه عبور کند و احساس کند که ایران در حال بازسازی قدرت هسته‌ای خود است این احتمال وجود دارد که دوباره به ایران حمله کند. در نتیجه اگر ایران می‌خواهد ابتکار عمل را به دست بگیرد بهتر است که دست به یک اقدام پیشگیرانه بزند و به اسرائیل حمله کند.

عدم حضور ایران در شرم‌الشیخ به معنی عدم نقش آفرینی در فرآیند آینده غزه نیست

مواد غذایی و بهداشتی و پزشکی مورد نیاز مردم غزه به این منطقه وارد خواهد شد. وی تأکید کرد: به نظر می‌رسد در این مقطع چند روزه، شرایط به نفع مقاومت و مردم غزه در پیش است. اما چشم‌انداز یک چشم‌انداز روشن و شفاف نیست، به دلیل سوابق بی‌تعهدی رژیم صهیونیستی و حامی اصلی اش، یعنی آمریکا، که در موارد متعددی توافقات منطقه‌ای و بین‌المللی را زیر پا گذاشته است. این کارشناس سیاست خارجی در خصوص عدم حضور ایران در نشست شرم‌الشیخ گفت: یک نکته اساسی وجود دارد که باید مورد توجه قرار بگیرد و آن این است که حضور یا عدم حضور جمهوری اسلامی در نشست نشان دهنده نقش و تأثیر جمهوری اسلامی نیست؛ چرا که در بسیاری موارد جمهوری اسلامی از طریق مسئولین عالی رتبه حماس نظرات خود را ابراز کرده است. وی خاطرنشان کرد: ایران به صورت مستقیم هم با کشورهایی مانند مصر و قطر و هم با خود فلسطینی‌ها، در ارتباط بوده و نظرات خود را بیان کرده است. بنابراین، حضور یا عدم درمانی در پشت دیوار غزه و در پشت دیوار رفح منتظر ورود هستند و توسط آن‌وا، که مسئولیت مستقیم کمک‌رسانی به مردم غزه را دارد، به صورت توبه‌ای و روزانه وارد خواهد شد. بر اساس توافقی که صورت گرفته، روزی چهارصد کامیون



مشورت کرده‌واز نظرات مشورتی جمهوری اسلامی بهره‌برداری کرده‌اند. این تحلیل‌گر مسائل غرب آسیا درباره پذیرش مشروط طرح صلح، ترامپ عنوان کرد: مشورت‌های فلسطینی‌ها با ایران در این موضوع نیز مستثنی نبوده و مقامات ارشد فلسطینی با همه حامیان فلسطین، به‌ویژه جمهوری اسلامی، وارد مذاکره شده‌واز مشورت آنها استفاده کرده‌اند. در این ارتباط، مقامات مسئول در جمهوری اسلامی نیز موضوع پذیرش مصوبات شورای عالی فلسطینی را در خصوص مسأله پذیرش مشروط صلح مورد تأکید قرار داده‌اند. صدرالحسینی با

گزارش

انتظارات اروپا و آمریکا برای مذاکرات پس از فعال شدن اسنپ‌بک

بروکسل و واشنگتن از مذاکره با تهران چه می‌خواهند؟

سیدعباس عراقچی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در برنامه گفت‌وگوی ویژه خبری با اعلام بن‌بست در مذاکرات هسته‌ای ایران و آمریکا و توقف کامل مذاکرات با اروپا گفت: «اگر به ما پیشنهادی شود که متوازن، منصفانه، معقول و منطقی باشد، از موضع برابر و بر پایه احترام متقابل انجام گیرد و منافع ایران را دربر داشته باشد، ما همواره اهل گفتگو بوده‌ایم. برچم مذاکره همواره در دست ما بوده است و امروز نیز تأکید می‌کنم، اگر پیشنهادی معقول و منصفانه ارائه شود، ما قطعاً آن را بررسی خواهیم کرد، اما چرا مذاکرات ایران و غرب بر سر برونده هسته‌ای به بن‌بست رسید؟ اروپا و آمریکا دقیقاً از ایران چه می‌خواهند و قرار است به ازای این امتیازها چه چیزی به تهران بدهند؟ چرا تهران پیشنهادهای اروپا و آمریکا را معقول و منصفانه نمی‌داند؟ در پیچ و تاب بحران هسته‌ای ایران، جایی که فعال سازی اسنپ بک توسط سه کشور اروپایی، در ۲۸ اوت ۲۰۲۵ تحریم‌های سازمان ملل را احیا کرد و ایران را به لبه پرتگاه دیپلماتیک کشاند، انتظارات اروپا و آمریکا از مذاکرات پس از آن به چالش جدید سیاست خارجی تبدیل شده است. رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، در ۳ سپتامبر ۲۰۲۵ هشدار داد: «ذخایر اورانیوم غنی‌شده ایران به ۹۰۰۰ کیلوگرم رسیده، که ۲۵ برابر حد بگرام است و خطر اشاعه را افزایش می‌دهد، این فعال سازی، که ژان-نوتل باور، وزیر خارجه فرانسه، آن را «چاره‌ای برای نقض تعهدات ایران» دیپلماسی جدی» توصیف کرد، انتظارات مشترکی را برپه ساخت: «توقف غنی‌سازی، نظرات امل آژانس، خلع سلاح موشکی و رفع تدریجی تحریم‌ها، عباس عراقچی، وزیر خارجه ایران، در ۱۸ سپتامبر ۲۰۲۵ گفت: «اسنپ‌بک، دیپلماسی را نابود می‌کند و ما گزینه‌های خود را بازنگری خواهیم کرد.» (الجزیره، ۱۸ سپتامبر ۲۰۲۵) که این امر، مذاکرات را به «بازی با زمان» بدل کرد.

◀ **انتظارات اروپا و آمریکا**

اما انتظارات اروپا و آمریکا از مذاکرات پس از فعال شدن اسنپ‌بک در ۲۸ اوت ۲۰۲۵، بر اساس بیانیه‌های مشترک سه کشور اروپایی (فرانسه، آلمان، بریتانیا) و ایالات متحده، به چهار محور اصلی تقسیم می‌شوند: توقف کامل غنی‌سازی اورانیوم؛ اجرای کامل پروتکل الحاقی و نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی؛ محدودسازی برنامه‌های موشک‌های بالستیک؛ و رفع تدریجی تحریم‌ها در ازای تعهدات پایدار؛ مارکو رویو، وزیر خارجه آمریکا تأکید کرد: «خلع سلاح موشکی و رفع تحریم‌ها، کلید توافق جدید است.» این محورها که بر اساس گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در ۲ سپتامبر ۲۰۲۵ و بیانیه سه کشور اروپایی (۲۸ اوت ۲۰۲۵) احصا شده، مذاکرات را به «بازی با زمان» بدل کرده، جایی که ایران با غنی‌سازی ۶۰ درصدی (۴۴ کیلوگرم) اهرم فشار دارد، اما سه کشور اروپایی و آمریکا با بازگشت تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد، برتری را حفظ می‌کنند. انتظار اصلی اروپا و آمریکا، توقف فوری غنی‌سازی اورانیوم ایران با دست کم بازگشت به سطح ۳.۶۷ درصدی (حد مجاز بگرام) است، که رافائل گروسی، مدیرکل IAEA، آن را «ضروری برای اعتمادسازی» خواند. سه کشور اروپایی در بیانیه ۲۸ اوت ۲۰۲۵ اعلام کرد: «ایران باید غنی‌سازی را متوقف کند و تاخیر ۶۰ رده‌ی ر اریق نماید.» این در حالی است که رویو، در ۱۹ سپتامبر، افزود: «غنی‌سازی صفر، پایه هر توافق است.» از یک منظر، انتظار غربی‌ها بر قطعنامه ۲۲۳۱ (۲۰۲۵) استوار است، که غنی‌سازی را محدود می‌کند، و آژانس نظارت را الزامی می‌نماید. اما توقف غنی‌سازی این ظرفیت را دارد که تحریم‌های نفتی را در مذاکرات احتمالی آینده، رفع کند. انتظار دوم، اجرای پروتکل الحاقی و نظارت کامل IAEA است، که گروسی آن را «ضروری برای شفافیت» خواند. سه کشور اروپایی، در ۲۸ اوت گفتند: «ایران باید پروتکل الحاقی را تصویب و اجرا کند.» رویو نیز افزود: «نظارت آژانس، پایه اعتماد است.» بررسی‌ها نشان می‌دهد در شرایط فعلی غربی‌ها تلاش می‌کنند روایت «عدم همکاری» ایران را با معنای «دشمن» غرب همسو و برجسته‌سازی کنند؛ این محور، مذاکرات را به «بن‌بست نظارتی» بدل کرد، جایی که پروتکل «شفافیت» است، اما برای ایران «تسلیم» به نظر می‌رسد. انتظار سوم، خلع سلاح موشکی یا دست کم محدودسازی برنامه‌های بالستیک ایران است، که رویو آن را «تهدید منطقه‌ای» خواند. سه کشور اروپایی در ۲۸ اوت تأکید کردند: «ایران باید موشک‌های بالستیک را محدود کند.» گروسی نیز هشدار داد: «موشک‌ها، برنامه هسته‌ای را تهدید می‌کنند.» این در حالی است که انتظار غربی‌ها بر قطعنامه ۲۲۳۱ استوار است، که موشک‌ها را محدود می‌کند. اما این محور، مذاکرات را به «بن‌بست نظامی» بدل کرد، جایی که خلع سلاح، معنای «امنیت» و «برای غربی‌ها بازنمایی می‌کند. اما برای ایران معنای «تسلیم» می‌دهد. انتظار چهارم، رفع تدریجی تحریم‌ها در ازای تعهدات پایدار است، که رویو آن را «هویج برای ایران» خواند. این محور نیز، مذاکرات را به «بن‌بست اقتصادی» بدل کرد، جایی که رفع «هویج» است، اما مشروط به تعهدات، «تله» به نظر می‌رسد. ر مجموع، انتظارات اروپا و آمریکا از مذاکرات پس از اسنپ‌بک، با محورهای توقف غنی‌سازی (۳۰۶۷ درصدی و پروتکل الحاقی، خلع سلاح موشکی و رفع تدریجی تحریم‌ها، دیپلماسی را به بازی با زمان بدل کرده و به نظر می‌رسد غربی‌ها فهم در انتظار طولانی کردن زمان مذاکرات آتی با ایران با هدف اثزگذار شدن تحریم‌ها در کف خیابان‌های تهران هستند.